

Presentations on How to Finance Iran's Higher Education Based on the Global Study Model

Ehsan Ehteshamnejad^{1*}, Mehdi Pakzad Bonab²,
Mehdi Ramezani³

1. Assistant Professor STI Financing & Economics, NRISP, Tehran, Iran. (Corresponding Author). E-mail: ehteshamnejad@nrisp.ac.ir
2. Assistant Professor Policy Evaluation & STI Monitoring, NRISP, Tehran, Iran. E-mail: pakzad@nrisp.ac.ir
3. PhD. Guilan University, Rasht, Iran. E-mail: Ma_ramezani@msrt.ir

Extended Abstract

Abstract

The use of new financial methods in the higher education sector is one of the main concerns of science and technology researchers due to the ever-increasing limitations of the public budget and the existence of various types of university divisions based on functional changes.

Introduction:

Many financing methods for universities have been introduced and many studies have been done on them, while many of the traditional financing methods are responsive to the needs of universities today. Identifying and presenting a proposed model for allocating financial credits to universities is a necessity. As a knowledge enterprise, the university follows the activities of production, distribution, transformation and promotion of knowledge. A desirable model for financing the financial activities of public universities is a model that firstly includes all the mentioned activities, secondly, it creates three efficiency, quality and justice in universities, and thirdly, it develops universities for development. Raise their own quality and quantity. (Entezari, 2018:17). Financing universities is one of the important challenges of the higher education system. The dual financing makes university managers to simultaneously implement reports on maintaining and improving the academic level of the university, along with increasing the amount of wealth creation. This importance can be easily seen by delving into the financing methods of the world's top universities that have achieved such success (Ahmadi & Norozi, 2015:47). Financing and management of important financial resources is the factor of survival of

universities and higher education institutions. The consequences of this recession in academic fields will be heavy in a way that will change attention in national and transnational dimensions (Keshavarzade & Ghasemi, 2017:94). The main purpose of this research is to provide financial services for higher education in Iran through the examination of experiences. What are the methods (framework, model or students) of selected global higher education financial services? What is the proper financing of the country's higher education inspired by global trade? Does the diversity of disciplines require different methods and financial disciplines or not? What are the policy suggestions for successful implementation determined for Iran's conditions? Among the questions that are searched according to the results of this research, they are answered.

Materials and Methods

In this research, both the documentary research method (books, articles, authoritative magazines, etc.) in English and Farsi, and a researcher-made questionnaire were used to implement the KAP model. In the comparative study, an initial model for the financing of higher education in Iran is presented, and then to auxiliary tools and using the theme analysis method, and processing related to semi-structured questionnaires in NVIVO software, the optimal range. A proposal for financial services for higher education in Iran is presented. The target population of this research is 30 people of the higher education complex in Iran, which was randomly selected from among the experts, managers and expert experts who have the opinion and possess this collection. This research was conducted in Iran (spatial domain), between December 2021 and June 2022 (temporal domain) with the participation of higher education financing (thematic domain).

Discussion and Results:

The results of the surveys showed that despite the difference in the common methods of providing financial resources in public and private universities, the common methods of providing financial resources in the country's universities include political combing, payment based on the quality of the student's quality based on or based on predetermined specific programs and functions, while in other countries they use the general methods of government support, tuition fees, donors and other sources. Although each of these general methods have more detailed components for others.

Conclusion

Using the methods of changing the structure of higher education and reviewing the way of allocating basic budgets, special budgets for specific priorities and policies in higher education, allocating incentive budgets,

benevolent recruitments through giving incentives. Taxes for benefactors as well as social contracts between the government and the people can improve and upgrade the financial resources of universities. Now that it is possible to make this path smoother with the lens of tax exemptions for revenue-generating contracts of universities.

Keywords: Financing, Incentive funding, Higher education, University, Performance evaluation.

Article Type: Research Article

Cite this article: Ehteshamnejad, E., Pakzad Bonab, M., & Ramezani, M. (2024) Presentations on How to Finance Iran's Higher Education Based on the Global Study Model. *Public Management Researches*, 17 (66), 145-178. (In Persian)



DOI: 10.22111/JMR.2024.47134.6112

Received: 29 Nov. 2023

Revised: 03 Mar. 2024

Accepted: 08 Apr. 2024

© The Author(s).

Publisher: University of Sistan and Baluchestan

ارائه چارچوبی برای نحوه تامین مالی آموزش عالی ایران بر اساس مطالعه الگوهای جهانی

احسان احتشام نژاد^{۱*} - مهدی پاکزاد بناب^۲ - مهدی رزمانی^۳

۱. نویسنده مسئول، استادیار، گروه پژوهشی تامین مالی و اقتصاد علم، فناوری و نوآوری، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، تهران، ایران. ehteshamnejad@nrisc.ac.ir
۲. استادیار، گروه پژوهشی ارزیابی سیاست‌ها و پایش علم، فناوری و نوآوری، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، تهران، ایران. pakzad@nrisc.ac.ir
۳. دکترای دانشگاه گیلان، رشت، ایران. Ma_ramezani@msrt.ir

چکیده

استفاده از روش‌های نوین تأمین مالی در بخش آموزش عالی به دلیل وجود محدودیت روزافزون بودجه عمومی و وجود انواع تقسیم بندی دانشگاهها بر اساس تنوع عملکردی، یکی از دغدغه‌های اصلی مراجع سیاست‌گذار علم و فناوری است. لذا شناسایی و ارائه یک الگوی پیشنهادی برای تخصیص اعتبار مالی دانشگاه‌ها امری ضروری است. بر همین اساس به بررسی دقیق الگوی تامین اعتبار مالی در ۱۶ کشور و مقایسه کمی و کیفی آنها با روش تامین منابع مالی در ایران پرداخته شد. نتایج حاصل از بررسی‌ها نشان داد که با وجود تفاوت سهم روش‌های متداول تامین منابع مالی در دانشگاه‌های دولتی و غیر دولتی، روش‌های مرسوم در تامین منابع مالی دانشگاه‌های کشور شامل چانه زنی سیاسی، پرداخت بر اساس معیار هزینه سرانه دانشجو، مبتنی بر عملکرد و یا بر اساس برنامه‌ها و اهداف خاص از پیش تعیین شده صورت می‌گیرد در حالی که در دیگر کشورها از روش‌های کلی همچون حمایت‌های دولتی، شهریه، خیرین و سایر منابع بهره می‌گیرند. هر چند که هر یکی از این روش‌های کلی برای کشورهای دیگر دارای مولفه‌های جزئی‌تر نیز می‌باشند. استفاده روش‌های چون تغییر در پیکره آموزش عالی و بازنگری در نحوه تخصیص بودجه‌های پایه، اختصاص بودجه برای اولویت‌ها و سیاست‌های خاص در آموزش عالی، اختصاص بودجه‌های انگیزشی، جذب کمک‌های خیرخواهانه از طریق اعطای مشوق‌های مالیاتی برای خیرین و همچنین قراردادهای اجتماعی بین دولت و مردم می‌تواند در بهبود و ارتقاء منابع مالی دانشگاهها موثر باشد. در عین حال که می‌توان با قراردادن معافیت‌های مالیاتی برای قراردادهای درآمدزای دانشگاهها، این مسیر را هموار تر نمود.

واژه‌های کلیدی: تامین مالی، بودجه انگیزشی، آموزش عالی، دانشگاه، ارزیابی عملکرد.

استناد: احتشام نژاد، احسان؛ پاکزاد بناب، مهدی؛ رزمانی، مهدی. (۱۴۰۳). ارائه چارچوبی برای نحوه تامین مالی آموزش عالی ایران بر اساس مطالعه الگوهای جهانی، پژوهش‌های مدیریت عمومی، ۱۷(۶۶)، ۱۷۸-۱۴۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۸ تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۲۰



DOI: 10.22111/JMR.2024.47134.6112

نوع مقاله: علمی پژوهشی

ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان حق مؤلف © نویسندگان

مقدمه

طبق ماده ۷ قانون تشکیل هیأت‌های امناء دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی مصوب جلسات ۱۸۱ و ۱۸۳ مورخ ۹، ۲۳، ۱۲، ۱۳۶۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی بررسی و تصویب بودجه مؤسسه که از طرف رییس مؤسسه پیشنهاد می‌شود، تصویب بودجه تفصیلی مؤسسه، تصویب نحوه وصول درآمدهای اختصاصی و مصرف آن، کوشش برای جلب کمک‌های بخش خصوصی و عوائد محلی اعم از نقدی، تجهیزاتی، ساختمانی، تصویب آیین‌نامه‌های مالی و معاملاتی، پیشنهاد میزان فوق‌العاده‌های اعضای هیأت علمی و غیر هیأت علمی (کارشناسان و تکنیسین‌ها)، تعیین میزان پرداخت حق‌التحقیق، حق‌التدریس، حق‌الترجمه، حق‌التألیف و نظایر آن، از جمله وظایف و اختیارات هیأت امناء می‌باشد. هر چند که طبق ماده ۸ همین قانون صراحتاً ذکر شده است که اعتبارات هر یک از مؤسسات صرفاً در قالب برنامه و به صورت کمک بودجه سالانه کل کشور منظور و تصویب می‌شود. و تخصیص اعتبار حداقل هر ۳ ماه به مآخذ سه دوازدهم بودجه مصوب از طریق دستگاه‌های اجرایی ذیربط کلاً در اختیار هر یک از مؤسسات قرار خواهد گرفت (شماره: ۳۸۶ - تاریخ: ۶۸، ۱، ۲۹). این متن قانونی به صراحت وابستگی دانشگاه‌ها و موسسات پژوهشی را که به صورت هیأت امنائی اداره می‌شوند به بودجه کل کشور نشان می‌دهد. هر چند که در برخی موارد اختیاراتی را در زمینه درآمذزایی و نحوه هزینه‌کرد آن در مقایسه با سایر دستگاه‌های اجرایی دیگر به دانشگاه‌ها داده است. عدم شفافیت و تضاد در قوانین بودجه کشور از جهت اصطلاحات، عبارات و تعدد قوانین مربوط مهم‌ترین مشکل معنایی در نظام بودجه‌ریزی دانشگاه است، دیگر آن که رعایت نکردن فصل‌کاری در ابلاغ تخصیص بودجه‌های عمرانی مهم‌ترین مشکل محیطی آن است، که نظام بودجه‌ریزی دانشگاه با آن مواجه است. مهم‌ترین مشکل نیز عدم تخصیص کامل بودجه است (Amiri, Moghimi, & Ghorbani, 2010).

الگوی تعیین بودجه دانشگاه‌ها و سازکارهای تخصیص آن، یکی از ابزارهای مهم دولت در راهبری و حکمرانی آموزش عالی کشور است. در حال حاضر، بودجه دانشگاه‌های کشور بر اساس الگوی «هزینه سرانه دانشجو» تعیین و توزیع می‌شود که نهاده محوری و عدم عملکرد محوری از ضعف‌های عمده این الگو است (Mahdi, Hosseini Davarani &

(Firuzabadi, 2018:2). در واقع؛ تامین مالی به عنوان یکی از مهمترین چالش‌ها جهت رشد و بقاء آموزش عالی محسوب می‌شود. شیوه‌های تامین مالی متعددی برای دانشگاه‌ها معرفی و مطالعات بسیاری بر روی آن‌ها صورت گرفته است، این در حالی است که بسیاری از شیوه‌های تامین مالی سنتی بوده و پاسخگوی نیاز امروز دانشگاه‌ها نیست (Karimi Mehrabad & Hosseini Heshmatian, 2019:83). البته نگرانی گسترده‌ای که در مورد تامین مالی آموزش عالی در کشورهای مختلف دنیا به وجود آمده است منجر به تحركات زیادی در صحنه واقعیت شده است. سیاست‌گذاران برای هدایت این الگو ترجیحاتی دارند و تلاش‌هایی را آغاز کرده‌اند و خود دانشگاه‌ها نیز با درک شرایط جدید دست به ابتکاراتی زده‌اند (Abbaspour, Keramati Tavlayi, Rahimian & Jahangard, 2020:189).

وابستگی بودجه دانشگاه‌ها به بودجه کل کشور باعث می‌گردد که بیشتر وقت مسئولان دانشگاه و دانشکده‌ها صرف چانه زنی، در زمان تخصیص اعتبار و اخذ اعتبارات دریافتی است، چانه‌زنی برای دریافت اعتبار کارشناسان بودجه را به فعالیت‌های سیاسی سوق می‌دهد» که چالش رفتاری به شمار می‌آید (Amiri, Moghimi & Ghorbani, 2010: 1). چشم‌انداز بین‌المللی در مورد تأمین مالی بخش آموزش عالی، علی‌رغم اختلافات موجود در این بخش به همان اندازه که در میان اقتصادهای سطح پائین، فرهنگ‌ها و سیستم‌های سیاسی، بزرگ و متفاوت است، شباهت‌های زیادی را نیز میان کشورها نشان می‌دهد. با این وجود، موضوع غالب در سرتاسر جهان، ریاضت مالی است. این حقایق اقتصادی به نوبه خود منجر به معضلات مالی در چشم‌انداز آموزش عالی بین‌المللی می‌شوند. افزایش ریاضت اقتصادی، فشارهای مالی به دانشجویان و خانواده‌هایشان، فشار به دولت برای تأمین و تکمیل شهریه‌های دانشگاهی با توجه به درآمدهای ناکافی دولت‌ها، جستجوی راه‌هایی برای گسترش دسترسی در مواجهه با این افزایش هزینه‌ها از سوی دانشجویان و خانواده‌هایشان و در نهایت، تلاش برای تغییر در برنامه‌های درسی یا روش‌های آموزشی برای کمتر شدن هزینه‌ها، عواملی است که به نظر می‌رسد اصول اساسی آکادمیک را نقض می‌کنند. بنابراین سیاست‌های ملی در پاسخ به تغییر الگوهای مالی آموزشی، عمدتاً پاسخی به پدیده جهانی هزینه‌های آموزش عالی هستند که

تمایل به افزایش نرخ‌هایی دارند که پیش از درآمد عمومی در دسترس از محل مالیات، سود حاصل از دارائی‌های متعلق به دولت، استقراض دولت و وام‌ها، کسب می‌شوند. نتیجه آنکه در اکثر جهان کمبود درآمد برای جبران هزینه‌های رو به افزایش آموزش و تحقیق و نیز افزایش نیازهای درآمدی در اکثر کشورها به دلیل افزایش ثبت‌نام‌ها بوده است. این مسیرهای واگرایی، با نیازهای بسیار سریع در حال افزایش منابع و درآمدهای پایدارتر در مقابل بودجه دولتی، باید به نوبه خودشان از طریق راه‌حل‌های موجود، تعادلی میان درآمد و هزینه‌ها ایجاد کنند. فشار هزینه - درآمد و ریاضت اقتصادی و نیز برخی راه‌حل‌های موجود برای حل این معضلات می‌توانند تأثیرات مخربی بر کیفیت و ظرفیت دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها و نیز اهداف آموزشی، مشارکت در آموزش عالی، دسترسی به آن و کیفیت آموزشی داشته باشند (Johnstone, 2015:261). برای این مورد روش‌های ارزیابی متفاوتی هم ارایه شده است و نزدیک به دو دهه است که ادبیات رتبه‌بندی نشان می‌دهد که دولت‌ها مدل‌های تأمین مالی مبتنی بر عملکرد را اتخاذ می‌کنند که معیارهای مورد علاقه رتبه‌بندی جهانی را اولویت‌بندی می‌کنند (Adam, 2020:76).

آموزش عالی یک امکان مهم برای کشورها در دستیابی به سطوح بالاتر توسعه است. کیفیت و کارایی آموزش عالی برای رسیدن به سطح بالایی از سرمایه انسانی کشور ضروری است. هر کشوری از مدل تأمین مالی آموزش عالی متفاوت با نرخ موفقیت متفاوت استفاده می‌کند. در حالی که برخی کشورها عمدتاً از تأمین مالی بخش خصوصی استفاده می‌کنند، برخی دیگر از سیستم‌های آموزش عالی استفاده می‌کنند که توسط بخش‌های دولتی تأمین مالی می‌شود. اخیراً در بسیاری از کشورها تحولات مهمی در سیستم آموزش عالی رخ داده است. در نتیجه تحولات در این زمینه، تعادل بین سطوح مشارکت بخش خصوصی و دولتی در تأمین مالی آموزش عالی تغییر کرده است (Goksu & Gungor Goksu, 2015:1152).

رشد تقاضای اجتماعی آموزش عالی و لزوم امکان دسترسی یکسان و عادلانه به آن برای متقاضیان ورود به دانشگاه‌ها، افزایش مسئولیت‌های اجتماعی و تغییر کارکردهای دانشگاه‌ها، روند شتابان جهانی‌سازی و به تبع آن بین‌المللی شدن آموزش عالی، اهمیت پژوهش و توسعه دانش‌های بنیادی، محدودیت‌های بودجه‌ای دولت‌ها در تأمین مالی دانشگاه‌ها، مجموعه عواملی هستند که تنوع بخشی به منابع مالی آموزش عالی در سراسر جهان را به

صورت فزاینده‌ای متاثر ساخته‌اند. از طرفی، نوسانات بودجه دولتی که عمدتاً به دلیل تغییرات نرخ ارز و اعمال تحریم‌ها و کاهش قیمت نفت اتفاق می‌افتد، بودجه آموزش عالی را ناپایدار و آسیب پذیر می‌کند. با این استدلال، بازتعریف منابع مالی آموزش عالی و شناسایی منابعی که پایدار است، بسیار اهمیت دارد (Nazarpour, 2020:1).

عدم موفقیت درآمدهای دولتی برای افزایش متناسب با هزینه‌های رو به افزایش آموزش عالی و نیازهای درآمدی، ممکن است به خاطر مقاومت پرداخت کنندگان مالیات، افزایش رقابت حاصل از سایر نیازهای دولتی، یا درک سیاسی باشد، که سیستم آموزش عالی یک کشور باید براساس کارآیی یا اثربخشی آن یا هر دوی آنها بهبود یابد تا کسب درآمدهای دولتی بیشتری را تضمین کند.

یک الگوی مطلوب برای تامین مالی فعالیت‌های دانشگاه‌های دولتی الگویی است که اولاً تمام فعالیت‌های یاد شده را در بر بگیرد، ثانیاً سه اصل کارایی، کیفیت و عدالت را در دانشگاه‌ها تحقق ببخشد، ثالثاً دانشگاه‌ها را برای توسعه کمی و کیفی فعالیت‌های خود برانگیزاند (Entezari, 2011:17). تامین مالی دانشگاه‌ها یکی از چالش‌های مهم نظام آموزش عالی است. دوگان‌های تامین مالی، مدیران دانشگاه‌ها را برای تحقق همزمان گزاره‌هایی مبنی بر حفظ و ارتقای سطح علمی دانشگاه، در کنار افزایش میزان ثروت آفرینی بیش از پیش تشویق می‌کند. این مهم با کنکاشی در مورد روش‌های تامین مالی دانشگاه‌های برتر جهان که در امر مذکور توفیقاتی حاصل کرده‌اند به سادگی قابل مشاهده می‌باشد (Ahmadi & Norozi, 2015:47).

زیرا یکی مهمترین کارکردهای دانشگاه‌ها ارائه خدمات آموزشی و پژوهشی به جامعه است. بدیهی است، چنانچه دانشگاه‌ها از اعتبارات مالی کافی برای تحقق اهداف خود برخوردار نباشند، در انجام وظایف خود با مشکل مواجه می‌شوند. با گسترده‌گی در انواع موسسات آموزش عالی و تدابیر عملیاتی که هر یک از این موسسات برای تامین منابع مالی خود به کار می‌گیرند، بررسی و اشراف بر زوایای مختلف این الگوها ضروری است (Yazdany, Dashti, Derakhshan & Gholami, 2018: 3). تامین مالی و مدیریت منابع مالی مهمترین عامل بقاء دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی می‌باشد. پیامدهای این رکود در عرصه‌های دانشگاهی به نحوی سنگین خواهد بود که، منجر به تغییرات قابل توجه در

ابعاد ملی و فراملی خواهد شد (Keshavarzade & Ghasemi, 2017:94). در کشور نیز نوسان درآمدهای دولت، آموزش عالی را در موقعیتی قرار می‌دهد که به منظور بقا و ادامه حضور در محیط رقابتی داخلی و بین‌المللی، سیاست‌های خود را در حوزه اقتصاد این بخش مورد بازنگری قرار دهند. از اینرو مطالعه تجربیات سایر کشورها در زمینه تأمین مالی آموزش عالی (که از روش‌ها و ابزار مختلفی استفاده می‌کنند) و دستاوردهای آن‌ها می‌تواند منجر به تدوین الگویی متناسب با شرایط فرهنگی، سیاسی و اجتماعی ایران شود. وابستگی بودجه دانشگاهها به بودجه کل کشور باعث می‌گردد که بیشتر وقت مسئولان دانشگاه و دانشکده‌ها صرف چانه زنی، در زمان تخصیص اعتبار و اخذ اعتبارات دریافتی است، چانه‌زنی برای دریافت اعتبار کارشناسان بودجه را به فعالیت‌های سیاسی سوق می‌دهد که چالش رفتاری به شمار می‌آید (Amiri, Moghimi & Ghorbani, 2010: 1). وجود مشکلاتی از این دست، همگی بیانگر عدم توجه درست به منابع تأمین اعتبار مالی مطمئن و ثابت در دانشگاهها می‌باشد. از همین رو، هدف اصلی از این تحقیق ارائه چارچوبی برای تأمین مالی آموزش عالی در ایران از طریق بررسی تجارب سایر کشورها در زمینه تأمین مالی آموزش عالی می‌باشد.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

در واکنش به مسیرهای واگرایی افزایش سالانه هزینه‌ها و نیازهای درآمدی و منابع یکنواخت یا رو به کاهش در دسترس از جانب دولت‌ها، دانشگاه‌ها و سایر مؤسسات سطح سوم در سراسر جهان در حال رو آوردن به درآمدهایی غیر از درآمد دولتی هستند تا این شکاف را پر کنند و از پیشروی مشکلات تا مدتی جلوگیری کنند. منابع درآمدی اصلی، غیر از درآمد دولتی برای حمایت مستمر از مؤسسات آموزش عالی پنج مورد زیر هستند: ۱- والدین و دانشجویان، ۲- کمک هزینه‌های تحقیقاتی که از طریق دولت یا به صورت خارجی تأمین مالی شده‌اند. ۳- کارآفرینی آموزشی از طریق برگزاری دوره‌های کوتاه مدت آزاد در زمینه‌های پر تقاضا ۴- سازمان‌های نیکوکاری و ۵- کشورهای خیر.

در عصر جدید و در کشاکش رقابت میان جوامع، کشورها در تلاش هستند تا نقش آموزش عالی را در توسعه ملی و ارتقای دانش و تکنولوژی مورد توجه قرار دهند. در واقع یکی از بارزترین منابعی که جامعه در اختیار دارد دانشگاه است. در غالب کشورهای

پیشرفته و کشورهای در حال توسعه، حل مسائل و رفع نیازمندی‌های اهداف توسعه ملی را دانشگاه و دانشگاهیان تحقق بخشیده‌اند. اختلاف اصلی که باعث تفاوت معنادار بین وضعیت کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه شده است نوع نگرش آنها به توسعه علمی و ارزش‌گذاری آنها به این عامل حیاتی و پایه اصلی توسعه است. از نظر سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)، اقتصاد دانش‌محور، اقتصادی است که به‌طور مستقیم مبتنی بر تولید، توزیع و مصرف دانش و اطلاعات باشد. دانش در چنین اقتصادی، محرک اصلی رشد، ایجاد ثروت و اشتغال در تمامی فعالیت‌هاست. امروزه بر اساس بررسی‌های صورت گرفته می‌توان بیان کرد که بیش از ۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی در بسیاری از کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی ناشی از فعالیت‌های دانش بنیان است (OECD, 2007; OECD/EU, 2019).

دانشگاه‌ها را می‌توان به سه نسل طبقه‌بندی نمود به نظر می‌رسد که دانشگاه‌های کشورمان حداقل دو نسل از پارادایم‌های نوین حاکم بر دانشگاه‌های پیشرو جهان عقب مانده‌اند. دانشگاه‌های ما باید بپذیرند که وارد مرحله سوم از حیات خود شده‌اند و دیگر وظایف و کارکردهای آنها از دو وظیفه سنتی یعنی آموزش و پژوهش فراتر رفته و در حال حاضر ضرورتاً کارآفرینی را باید در رأس کارهای خود قرار دهند.

تا زمانی که مهمترین عامل تخصیص اعتبار به دانشگاه‌ها تعداد جذب دانشجو باشد، این نهادها به سمت گسترش کمی ظرفیت‌های خود به‌منظور جذب بیشتر دانشجو و به همین نسبت جذب اعتبار بیشتر خواهند رفت. راهبردهای تخصیص منابع در کشورها با در نظر گرفتن شرایط ملی مانند فرهنگ، سیاست، اندازه، جمعیت‌شناسی، تاریخ، نقش دانشگاه‌ها و آموزش عالی متفاوت است.

میزان سرمایه‌گذاری برای آموزش عالی از منابع عمومی حاکی از اهمیت و توجه به چگونگی تخصیص منابع به دانشگاه‌ها است. الگوی مطلوب تخصیص منابع به دانشگاه‌های دولتی، الگویی است که ضمن تضمین منابع لازم و کافی برای دانشگاه‌ها، بودجه را بطور شفاف و عادلانه در اختیار آنها قرار داده و دانشگاه‌ها را به رقابت سالم با یکدیگر تشویق کند. باید متوجه بود که رفتار عقلایی و بهینه مدیران در دانشگاه‌های دولتی تحت تأثیر رویکرد و الگوی تخصیص منابع به این دانشگاه‌ها توسط دولت‌ها است.

احمدی ۱ و نوروزی (۲۰۱۵) الگوهای تامین مالی و ترکیب آن‌ها در دانشگاه‌های منتخب را با استفاده از روش پژوهش مطالعات موردی شناسایی کردند. آنها همچنین نسبت به دسته‌بندی و احصای نظامات تامین مالی مذکور و بیان آموخته‌هایی برای بکارگیری توسط مسئولان نظام آموزش عالی اقدام کردند.

جانستون ۲ (۲۰۱۵) معتقد است تامین بودجه سیستم آموزش عالی هر کشور باید در چارچوب تاریخ همان کشور، سطح توسعه اقتصادی، ثروت سرانه، جمعیت، درجه و ماهیت طبقه‌بندی اجتماعی-سیاسی مشاهده شود. سیستم و ایدئولوژی غالب و آنچه که برای حل مسئله در یک کشور مؤثر است، ممکن است در کشور دیگر کاملاً ناکارآمد و یا حتی ضد تولید باشد. بنابراین هرگونه درسی که باید در مورد تامین مالی مؤثرتر سیستم آموزش عالی یک کشور آموخت، باید با احتیاط و توجه به شرایط همان کشور باشد.

تامین مالی آموزش عالی در دیگر کشورها

با توجه به اینکه تامین مالی در کشورهای مختلف از نقاط اشتراک و تمایزهای برخوردار می‌باشد لذا بررسی همگی آنها در این پژوهش مقدور نمی‌باشد لذا بر اساس موقعیت مکانی و همچنین با توجه به جایگاه علمی کشورها در سطح جهان منتخبی از ۱۵ کشور از چهار قاره مورد بررسی قرار گرفتند. که در ادامه به صورت مختصر در مورد منابع تامین مالی دانشگاهها و موسسات پژوهشی آنها پرداخته می‌شود.

کره جنوبی

روش‌های تامین مالی آموزش عالی کره از بخش عمومی و خصوصی بوده است. منابع حمایتی دولتی، ارزش تحقیقات، مالیات، هزینه‌های تحصیلی دریافتی، منابع ورودی از بخش خصوصی (شامل: گزنت‌ها، قراردادهای و هدیه‌ها)، خدمات و فروش‌ها، درآمدهای دیگر. البته ۹ مانع برای تامین بودجه دانشگاه‌ها تا سال ۲۰۱۷ در کره وجود دارد: با این حال؛ چندین امکان برای حل مشکلات مالی در دانشگاه‌ها و تامین مالی از سوی دولت وجود دارد و شامل: تامین مالی کمک‌های مالی آموزش عالی، مالیات آموزش عالی، تامین

1. Ahmadi & Norozi

2. Johnstone

مالی فرمولی، حمایت از دانشگاه‌های محلی، حمایت از دانشگاه‌های خصوصی، و حمایت مالی برای مصرف‌کنندگان است (Kim & Park, 2018:116).

ژاپن

بررسی ادبیات مربوطه و هم مطالعات موردی نشان می‌دهد که ژاپن از اوایل دهه ۲۰۰۰ به طور مداوم در حال اصلاح مکانیسم‌های تامین مالی و تامین مالی خود بوده است. از یک سو، به نظر می‌رسد که ژاپن می‌خواهد رهبری و نفوذ قوی کنونی دولت مرکزی بر دانشگاه‌های منفرد را به نحوی مناسب حفظ کند و از سوی دیگر، در تلاش است تا رقابت بین‌المللی آموزش عالی ژاپن را بهبود بخشد. ارتقای ارتباط و پاسخگویی نهادهای فردی به خواسته‌های ذینفعان مختلف: بازار، صنعت و جامعه در حال تغییر. این نکات شامل تاکید بر جنبه‌های خیر عمومی آموزش عالی در ژاپن، حمایت مالی مستمر دولت مرکزی از مؤسسات خصوصی و دانشجویان خصوصی بین‌المللی، پیوند و مشارکت قوی دولت، صنعت و دانشگاه و به ویژه نقش رهبری و هدایت‌کننده دولت مرکزی است (Huang, 2018:106)؛ (Baba & Tanaka, 1997:263).

چین

مؤسسات آموزش عالی عمومی در چین از سه کانال اصلی حمایت مالی دریافت می‌کنند: (۱) دولت‌ها (مرکزی یا محلی)، از نظر بودجه اصلی برای آموزش و تحقیق. (۲) دانشجویان از طریق شهریه و شهریه. (۳) سایر نهادها، از طریق پروژه‌ها، قراردادهای عملیات جانبی درآمدزا، و کمک‌های مالی. البته توسعه بی‌سابقه در آسیا به شدت به گسترش بخش آموزش خصوصی و خصوصی‌سازی داخلی مؤسسات دولتی بستگی دارد، که نشان‌دهنده روندی از تأمین مالی دولتی به خصوصی آموزش عالی است. تنظیم مسئولیت تأمین مالی بین دولت‌های مرکزی و محلی و تنظیم مسئولیت تأمین مالی بین نهادهای دولتی و خصوصی کلیدی برای دستیابی به توسعه پایدار آموزش عالی در چین است. با این حال، یافتن ترکیب مناسبی از مدل‌های تأمین مالی و ترتیبات نظارتی، یک اقدام متعادل‌کننده ظریف خواهد بود (Yang, 2017)؛ (Peters, 2017:1).

در چین، بحث‌های مربوط به امور مالی آموزش عالی منجر به معرفی یک مدل تقسیم هزینه شد که به موجب آن دانشجویان بیش از یک دهه پیش ملزم به پرداخت شهریه

بودند. یکی از بزرگترین تغییرات تبدیل سیستم مالی آموزش عالی از یک کانال تامین مالی واحد وابسته به دولت به انواع کانال های تامین مالی تحت حمایت دولت، حمایت های خصوصی و سایر منابع بوده است. بنابراین، سیستم آموزش عالی چین به تدریج از یک سیستم آموزش رایگان به یک سیستم تقسیم هزینه تبدیل شد (Fengliang, 2012:1).

روسیه

در طول بیست سال گذشته سیستم آموزش عالی روسیه موضوع تحول دائمی بوده است. هدف اصلاحات به دست آوردن سطح بالایی از رقابت به عنوان یک چالش کلیدی برای مؤسسات آموزش عالی روسیه است. یکی از جهات برای حل این کار، توسعه ادغام در جامعه آموزشی جهانی است. اکثر دانشگاه‌های دولتی از توافق نامه‌های بین دولتی برای توسعه همکاری با دانشگاه‌های خارجی در چارچوب بودجه اختصاص داده شده توسط دولت روسیه استفاده می‌کنند. دانشگاه‌های خصوصی از روش های پیچیده همکاری بین المللی و ادغام در محیط آموزشی جهانی استفاده می‌کنند (Platonova, Bogomolova, Musarskiy, & Igumnov, 2015:393).

ترکیه

تأمین مالی خدمات آموزش عالی ترکیه عمدتاً به دو مدل مختلف انجام می‌شود: دانشگاه‌های دولتی و بنیادی. اولی، دانشگاه‌های دولتی، به طور سنتی «یک سیستم مالی متکی بر منابع ملی» را اتخاذ کرده اند، در حالی که پایه ها «تامین مالی انحصاری» خود را توسعه داده‌اند. در نتیجه؛ در ترکیه، منابع مالی دانشگاه‌های دولتی عمدتاً به بودجه متمرکز ملی بستگی دارد. میزان منابع مالی یک دانشگاه پس از پایان یک سری مذاکرات با دولت مرکزی برای هر سال تعیین می‌شود (Erdem, 2010:18).

اسپانیا

در اسپانیا؛ رابطه بین عملکرد دانشگاه و مدل های تأمین مالی مبتنی بر عملکرد، موضوع بحث برای دهه‌ها بوده است. نتایج اصلی به کارگیری مدل های تامین مالی مبتنی بر عملکرد در دانشگاه‌های دولتی بزرگ اسپانیا طی یک دوره پنج سال تحصیلی نشان می‌دهد که تنها کاتالونیا یک مدل واقعی مبتنی بر عملکرد را در تئوری و عمل ایجاد کرده است (El Gibari, Cabello, Gómez & Ruiz, 2021:847).

هند

آموزش عالی در هند یکی از بخش‌هایی است که به سرعت در حال رشد است و تعداد زیادی از دانشجویان از سراسر جهان را در بر می‌گیرد. منابع تامین مالی در آموزش عالی هند به شرح زیر هستند: نهادهای دولتی (از طریق آژانس‌های مختلف آن مانند: UGC, NCERT, NCTE, NUEPA, AICTE, SCERT و غیره)؛ نهادهای محلی، وجوه خصوصی (از طریق کمک‌ها، اشتراک‌ها، هدایا، وصیت‌ها، جریمه‌ها، عواید فروش، سود موجودی بانکی، اجاره ساختمان‌ها و غیره تخصیص می‌یابد)، کمک‌های بلاعوض (که توسط دولت یا از طریق سازمان‌های مختلف آن به مؤسسات آموزش عالی ارائه می‌شود) و درآمد حاصل از جمع‌آوری کمک‌های مالی فارغ‌التحصیلان. از این رو، دانشگاه می‌تواند ارتباط خوبی با فارغ‌التحصیلان برای جمع‌آوری سرمایه برقرار کند (Borah, 2020:687).

غنا

آموزش عالی در غنا به دلیل فقر عمومی و بی‌ثباتی‌های کلان اقتصادی کشور، از چالش‌های بی‌شماری مانند دسترسی، مقرون به صرفه بودن، جذب و حفظ اساتید، و وضعیت اسفناک زیرساخت‌ها رنج برده است. آمار ارائه شده توسط Paul Effah، دبیر اجرایی شورای ملی آموزش عالی در غنا نشان می‌دهد در حالی که در سال ۲۰۰۰ بودجه آموزش عالی، تنها ۱۲ درصد از کل بودجه اختیاری آموزش دولتی را تشکیل می‌داد که آن نیز بین پنج دانشگاه دولتی و هشت دانشگاه پلی‌تکنیک توزیع شده بود است. این وضعیت بر آموزش عالی کشور تأثیر منفی گذاشته است. علی‌رغم این چالش‌ها، GETFund در توسعه آموزش عالی در غنا به ویژه در زیرساخت‌ها، توسعه دانش‌آموزان، تحقیقات دانشکده و پشتیبانی از کارکنان کمک‌های قابل توجهی می‌کند. با این حال، برای حفظ این صندوق برای آیندگان، پایداری آن نه تنها با حفظ شفافیت، بلکه با ارائه ابزار قانونی برای افزایش استقلال هیئت مدیره و بهبود کارایی مدیریت باید تضمین شود (Acquah, 2021:90).

مالزی

مالزی آموزش عالی را به دو دسته بخش دولتی و خصوصی تقسیم کرده است. با وجود اینکه دو بخش آموزش عالی در مالزی وجود دارد، اداره آموزش عالی در وزارت آموزش همچنان بر فعالیت‌های دانشگاه‌ها و کالج‌های دولتی و خصوصی نظارت می‌کند. دولت

مالزی در حرکت به سمت آموزش بهتر برای شهروندان چندفرهنگی و تولید سرمایه انسانی فکری بیشتر برای کشور، ۸ درصد از هزینه‌های دولت را به آموزش عالی اختصاص داده است. کمک‌های تامین مالی برای آموزش عالی مالزی شامل: کارکردهای صندوق آموزش عالی برای تامین مالی آموزش عالی در مالزی و وام‌های دانشجویی است (Ab Hamid, 2021).

کانادا

تجارب اولیه دانشگاه‌های کانادا در بهره‌برداری از آنچه که به آن «انسان‌دوستی استراتژیک» می‌گویند درآمد حاصل از شرکت‌ها، بنیادها و خیریه‌های «هدیه اصلی» در حال حاضر به نسبت در حوزه‌های دیگر بیشتر است. در سطح فدرال، اگرچه مشوق‌های مالیاتی برای کمک‌های خیریه از ایالات متحده عقب‌تر است، اما آنها بسیار جلوتر از سایر حوزه‌ها هستند و مشوق‌هایی را ارائه می‌دهند که در هیچ کشور توسعه یافته دیگری یافت نمی‌شود. کانادا زود تشخیص داد که تمرکززدایی بر اساس تابعیت بیش از یک اصل انتزاعی است. استان‌ها نیز به نوبه خود، با گسترش خودمختاری به دانشگاه‌ها و امکان ایجاد فدراسیون در داخل فدراسیون، در نتیجه آموزش عالی به یک انحصار عمومی سکولار تبدیل شد و فدراسیون در درون فدراسیون همچنان یک ترتیب خاص کانادایی است (Lang, 2020).

عربستان

مشارکت بیشتر جامعه و مردم برای حمایت از دولت در تامین مالی او ضروری است. علاوه بر این، متنوع کردن منابع مالی و ایجاد تعامل و تعامل متقابل بین آموزش عالی و نهادهای تجاری مزایای متعددی خواهد داشت. در حال حاضر تقاضا برای سرمایه‌گذاری در آموزش عالی به دلیل رشد شدید جمعیت در حال افزایش است و گروه‌های زیادی از جوانان به دنبال تحصیل خوب و مشاغل خوب در جامعه هستند. عدم تطابق بین کل سیستم آموزشی و بازار کار مستلزم تعدادی اقدامات جدید است، به ویژه به این دلیل که در این کشور جامعه بزرگی از افراد دارای تحصیلات عالی را جامعه زنان تشکیل می‌دهند (Alkubaisi & Rasool, 2020:38).

برزیل

بحران‌های اقتصادی و سیاسی کنونی در برزیل بحث‌هایی را در مورد آینده بودجه آموزش عالی که دارای سه رکن اصلی است: تأمین مالی کامل دولتی، تأمین مالی کامل خصوصی و تأمین مالی مختلط، ایجاد کرده است. تأمین آموزش عالی برزیل با بحران‌های سیاسی و اقتصادی که به دنبال اصلاحات ریاضتی دنبال شد و به توقف مخارج عمومی واقعی برای بیست سال منجر شد، تشدید شد. بنابراین، برزیل با دو سناریو روبرو شد که بحث بودجه آموزش عالی را مرتبط‌تر کرد: زمینه‌ای از محیط منفی اقتصاد کلان و مطابقت با روندهای جهانی در مورد چالش‌های تأمین مالی برای این بخش. نتیجه‌گیری این که هرگونه اصلاح بودجه نباید با جایگزینی تأمین مالی مالیاتی، بلکه با چالش‌های دیگر آغاز شود، چالش‌هایی که از لحاظ سیاسی حساسیت کمتری نسبت به شروع هزینه برای خدمات رایگان فعلی دارند (Watenberg, 2019:109).

انگلیس

در انگلیس تغییر بزرگی در نحوه تأمین بودجه آموزش عالی از کمک هزینه‌های اولیه به وام‌های دانشجویی صورت گرفته است. شهریه در سال ۱۹۹۸ معرفی شد و در سال ۲۰۰۶ و دوباره در سال ۲۰۱۲ افزایش یافت. این امر باعث افزایش بودجه کلی شده است، اما کمک هزینه‌های آموزشی کاهش یافته است. از سال ۲۰۱۱، سهم هزینه‌های آموزش عالی در کسری بودجه ۵٫۷ میلیارد پوند (حدود ۱۰ درصد کسری فعلی) کاهش یافته است. سیاست سال ۲۰۱۵ که کمک هزینه‌های تعمیر و نگهداری را با وام جایگزین کرد. با این حال، بر خلاف سیستم فعلی، که بر اساس آن اکثریت قریب به اتفاق سهم مالیات‌دهندگان از طریق وام‌های پرداخت نشده افراد کم درآمد حاصل می‌شود، جایگزینی درآمد هزینه از دست رفته با کمک هزینه‌های آموزشی به دولت اجازه می‌دهد تا موضوعات با اولویت بالا (مانند دوره‌های مبتنی بر STEM) را هدف قرار دهد یا دانش‌آموزان (مانند خانواده‌های کم درآمد) (Belfield, Britton, Dearden & Erve, 2017: 42).

آلمان

از اواخر دهه ۱۹۹۰، تغییرات اساسی در تأمین مالی آموزش عالی در آلمان رخ داد. مقدار کل بودجه عمومی همگام با تورم و رشد مثبت نام دانشجویان بود، به طوری که سهم

بودجه Länder کاهش یافت و بودجه فدرال افزایش یافت. در نگاهی به توسعه بودجه آموزش عالی در آلمان به ویژه در حدود دو دهه اخیر از منظر مقایسه ای، نشان داد که اولاً حمایت عمومی نسبتاً ثابت مانده است ثانیاً با وجود جذب منابع خصوصی بیشتر، اما همچنان مسئولیت بالای دولت در این حوزه کاهش نیافت. اخذ هزینه‌های تحصیل تنها در چند ایالت آلمان اجرا شد و در نهایت پس از چند سال متوقف شد (Teichler, 2018:37).

ازبکستان

در ازبکستان بیشتر هزینه‌های آموزش عالی توسط بودجه عمومی تامین می‌شود و اگرچه سهم هزینه‌های عمومی در تولید ناخالص داخلی بیشتر از سایر کشورها است، اما ثبت‌نام هنوز در نرخ بالایی نیست. ۲۰ درصد از دانش‌آموزان می‌توانند بورسیه بودجه دولتی دریافت کنند که نمرات آنها در بالای لیست در کنکور باشد. مدت هاست که شهریه‌ها معرفی شده‌اند و سهم آن در تامین مالی آموزش عالی سال به سال در حال افزایش است. اگرچه صندوق دولتی شهریه ۲۰ درصد از دانشجویان را پوشش می‌دهد، ۸۰ درصد باقیمانده از دانشجویان به تنهایی شهریه را پرداخت می‌کنند و به طور همزمان کمک هزینه ماهانه دریافت می‌کنند که بخش عمده‌ای از شهریه‌های پرداختی را جبران می‌کند. والدین در صورت پرداخت شهریه فرزندان خود از پرداخت مالیات بر درآمد معاف هستند (Rakhmonov, 2016:1).

بررسی وضعیت تامین منابع مالی در ایران:

تقسیم‌بندی کلی دانشگاه‌های کشور حکایت از وجود دو دسته دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی در کشور می‌باشد که در دانشگاه‌های دولتی نیز جذب دانشجو به دو صورت آموزش رایگان و آموزش با پرداخت شهریه صورت می‌پذیرد در حالی که این دانشگاه‌های دولتی بخش عمده تامین مالی خود را از طریق حمایت‌های دولتی و در یکی از قالب‌های بودجه عمومی و یا بودجه مبتنی بر عملکرد دریافت می‌نمایند.

جدول شماره ۱: میزان اعتبارات اختصاص یافته به ۱۳ دانشگاه دولتی منتخب در سال ۱۴۰۱ (میلیون ریال)

رتبه	دانشگاه	اعتبار کلی	اعتبار حاصل از درآمد دانشگاه
۱	تهران	۲۲۳,۷۹۶,۰۸۰	۲۳,۳۴۵,۷۵۸
۲	صنعتی شریف	۷۶,۴۶۴,۳۰۰	۷,۶۶۶,۸۲۱
۳	صنعتی امیرکبیر	۶۹,۵۳۴,۵۲۰	۷,۰۸۰,۱۸۶
۴	صنعتی اصفهان	۵۷,۵۲۳,۳۲۰	۳,۵۸۴,۴۰۶
۵	علم و صنعت ایران	۶۵,۱۱۲,۹۲۷	۳,۶۹۳,۳۳۲
۶	شیراز	۷۴,۴۹۸,۰۴۷	۴,۱۸۶,۳۵۰
۷	فردوسی	۸۷,۲۰۸,۹۸۰	۴,۵۲۸,۱۶۸
۸	تربیت مدرس	۸۸,۹۱۷,۸۹۳	۵,۰۹۴,۷۴۱
۹	اصفهان	۵۶,۸۲۶,۳۶۷	۲,۸۲۱,۴۶۰
۱۰	علامه طباطبایی	۶۱,۰۳۳,۱۰۷	۴,۷۳۴,۵۱۸
۱۱	شهید بهشتی	۸۵,۳۸۵,۱۸۷	۳,۷۹۷,۴۸۲
۱۲	صنعتی خواجه نصیر الدین طوسی	۳۰,۷۷۰,۴۴۰	۱,۶۹۴,۲۰۶
۱۳	تبریز	۷۱,۶۷۴,۶۴۷	۲,۹۲۳,۳۲۶

همان گونه که در جدول ۱ نیز مشاهده می‌گردد سهم میزان منابع درآمدی دانشگاه‌های دولتی، سهم کمتر از ۱۰ درصدی را نسبت به اعتبار کلی دانشگاه‌ها را به خود اختصاص داده است و تامین منابع مالی به شکل‌های مختلف دیگر همان طور که در سایر کشورها بررسی گردید به میزان کمتری مشاهده می‌گردد. این در حالی است که در دانشگاه‌های خصوصی بخش عمده تامین منابع مالی از طریق شهریه پرداختی دانشجویان صورت می‌گیرد.

به نظر می‌رسد که با شناسایی منابع مطمئن تامین بودجه دانشگاهها از یک سو و همچنین توجه به منابع دیگر ممکن و نظام‌مند نمودن منابع درآمدی دانشگاهها از طریق ایجاد مشوق‌های لازم از سوی دیگر، می‌توان به استقلال مالی دانشگاهها کمک نمود. تهیه پاسخ‌های مناسب برای سوالات زیر تا حدود زیادی می‌تواند راهگشای حل این مساله باشد:

روش‌های (چارچوب، مدل یا رویکردهای) تأمین مالی آموزش عالی در کشورهای منتخب کدامند؟ نقاط اشتراک و تفاوت منابع تامین مالی آموزش عالی کشور با الهام از تجارب جهانی کدام است؟ آیا تنوع رشته‌ها، تفاوت روش‌ها و رویکردهای تأمین مالی را

ایجاب می‌کند یا خیر؟ پیشنهادات سیاستی برای اجرای موفقیت آمیز چارچوب متناسب شده برای شرایط ایران کدامند؟

روش شناسی پژوهش

در این تحقیق برای گردآوری اطلاعات هم از روش پژوهش اسنادی (کتاب، مقالات، مجلات معتبر و...) اعم از انگلیسی و فارسی، بهره گرفته شد. به منظور بررسی وضعیت تامین مالی آموزش عالی در سطح جهان، وضعیت ۱۵ کشور از قاره‌های مختلف و بر اساس منابع در دسترس مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. هم از یک پرسشنامه محقق ساخته برای اجرای مدل KAP^۱ استفاده گردید. از مدل KAP، به عنوان یکی از پایه‌ای‌ترین مدل‌ها برای تغییر رفتار انسان یاد می‌شود. مدل (دانش-نگرش-رفتار) استدلال می‌کند که دانش برای ایجاد تغییر در رفتار افراد ضروری است و افراد می‌توانند از طریق یادگیری دانش و مهارت، رفتار مطلوبی را از خود بروز دهند. از این مدل برای مطالعات پیمایشی معمولاً به صورت کمی و با استفاده از پرسشنامه برای ارزیابی و عارضه‌یابی رفتار انسان‌ها فراخور هدف و جامعه آماری ایشان به خصوص در بخش بهداشت و سلامت استفاده می‌شود (Andrade, Menon, Ameen, & Kumar Praharaj, 2020).

با توجه به بررسی منابع و وضعیت تامین منابع مالی در سایر کشورها، یک مدل اولیه برای تامین مالی آموزش عالی در ایران ارائه گردد و پس از آن به کمک ابزار مصاحبه و با استفاده از روش تحلیل تم، و پردازش‌های مربوط به مصاحبه‌های نیم ساختاریافته در نرم افزار NVIVO، چارچوب بهینه پیشنهادی برای تامین مالی آموزش عالی در ایران ارائه می‌گردد. جامعه هدف این تحقیق مجموعه آموزش عالی در ایران است که جهت تکمیل پرسشنامه‌های نیم ساختاریافته روش KAP از بین ۳۰ نفر از صاحب نظران، مدیران و کارشناسان خبره در دسترس و حایز صلاحیت این مجموعه به صورت تصادفی انتخاب گردید. این پژوهش در کشور ایران (قلمرو مکانی)، در بازه زمانی بین آذرماه ۱۴۰۰ تا خردادماه ۱۴۰۱ (قلمرو زمانی) با محوریت تامین مالی آموزش عالی (قلمرو موضوعی) انجام گردیده است.

نتایج و بحث

آنچه از بررسی منابع و اسناد مطالعه شده در خصوص روش‌های تامین منابع مالی دانشگاه‌های کشور برمی‌آید حکایت از وجود چهار روش اصلی و مرسوم یعنی روش چانه زنی سیاسی، پرداخت بر اساس معیار هزینه سرانه دانشجو، مبتنی بر نهاده به تامین مالی مبتنی بر عملکرد و یا بر اساس برنامه‌ها و اهداف خاص از پیش تعیین شده می‌باشد (جدول ۲). یعنی تخصیص اعتبارات مالی به هر یک از دانشگاه‌های دولتی بر اساس ترکیبی از روش‌های ذکر شده صورت می‌گیرد یعنی بخش عمده تخصیص اعتبار بر اساس شاخص عمومی هزینه سرانه دانشجو انجام می‌گیرد و در مرحله بعد میزان قدرت چانه زنی سیاسی روسای دانشگاه‌ها با منابع اصلی تخصیص اعتبار از یک سو و قدرت ایجاد تعاملات و ارتباطات سازمانی در جذب منابع. اما آنچه که در حالت کلی مشاهده می‌گردد آن است که پرداخت یک مبلغ پایه به همه دانشگاه‌ها که شامل همه فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و زیر ساختی باشد آن هم به صورت یکنواخت، ارتباط مستقیم با حفظ و بقای دانشگاه‌ها دارد.

نادری^۱ و همکاران (۲۰۱۴) نیز در تحقیقات خود اینگونه نتیجه‌گیری نمودند که به طور کلی تخصیص بر اساس مذاکره و چانه زنی، مبتنی بر فرمول، تخصیص بر اساس پرسنل، بر اساس دانشجو، بر اساس هزینه سرانه، بر اساس اولویت‌ها و بر اساس عملکرد از جمله مکانیسم‌هایی هستند که بر تامین و تخصیص منابع مالی و در نتیجه بر عملکرد موسسات آموزش عالی موثر هستند.

با توجه به اینکه از یک طرف شاهد وابستگی شدید دانشگاه‌های دولتی به بودجه عمومی کشور و از سوی دیگر شاهد وجود انواع تقسیم بندی دانشگاه‌ها بر اساس تنوع عملکردی و بزرگی و کوچکی همچون دانشگاه‌های جامع، دانشگاه‌های صنعتی، دانشگاه‌های تخصصی و ... شاهد هستیم لذا معیارهای کلی همچون هزینه سرانه دانشجو نمی‌تواند روش درستی در تعیین میزان اعتبارات تخصصی به دانشگاه‌ها باشد. چرا که این نوع از تخصیص اعتبار ضمن هدایت بیشتر دانشگاه‌ها به سمت گسترش بیشتر رشته‌های تحصیلی و در نتیجه جذب بیشتر دانشجو بدون توجه به نیاز کشور و آینده شغلی فارغ التحصیلان، باعث

^۱. Naderi et al

خواهد شد که دانشگاه‌ها از رسالت اصلی خود که همان تربیت مدیران آینده است غفلت نمایند. از همین رو منجم‌زاده^۱ و همکاران (۲۰۱۹) مولفه‌های توسعه مالی شامل «کارایی و مدیریت هزینه»، «تخصیص منابع»، «ترتیبیات و ساختارهای نهادی» و «عوامل محیطی» را از جمله مواردی معرفی نمودند که باید در سیاستگذاری‌های جدید و بازنگری اسناد پیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد.

افزایش تقاضا برای ورود به دانشگاه از یک سو و رقابت برای ادامه تحصیل در برخی رشته‌های خاص باعث می‌گردد که کسب دانش در کشور دچار نوعی نامتوازن‌ی گردد. این امر در نوع سیاست دانشگاه‌ها برای تامین منابع مالی خود نیز تاثیر منفی گذاشته و باعث می‌گردد که رووسای دانشگاه‌ها نیز رشته‌های تحصیلی قابل ارائه در موسسه خود را محدود به رشته‌های با تقاضای بیشتر قرار دهند و یا اینکه شهریه ورود به برخی رشته‌ها را بیشتر از سایر رشته‌ها با تقاضای کمتر قرار دهند. این نکته به ویژه در دانشگاه‌های غیر دولتی نمود بیشتری دارد.

مهدی^۲ و همکاران (۲۰۱۸) نیز در بررسی‌های خود نشان دادند که دولت آلمان در تامین مالی دانشگاه‌ها خود، به رغم داشتن آموزش عالی غالب دولتی، از سازکارهای همچون تنوع‌بخشی به سازکارهای تامین مالی، به کارگیری نهادهای میانی، ماموریت‌گرا نمودن دانشگاه‌ها، هدفمندسازی کمک‌های مالی دولت و عملکردمحوری به جای نهاده محوری عناصر اصلی نظام تامین مالی آموزش استفاده می‌کند.

نتایج ارزیابی تامین منابع مالی در کشورهای مختلف:

در یک تقسیم‌بندی کلی، منابع تامین مالی دانشگاه‌ها را می‌توان در چهار گروه حمایت‌های دولتی، شهریه، خیرین و سایر منابع دسته‌بندی نمود که این گروه‌ها هر یک شامل زیر بخش‌های مختلف هستند به نحوی که حمایت‌های دولتی خود به ۶ حالت بودجه عمومی، مالیات، اعطای بورس، تعاملات بین‌المللی با سایر کشورها، بودجه مبتنی بر عملکرد و تخصیص استانی (محلی) صورت می‌گیرد. شهریه نیز در قالب یکی از ۳ حالت وام‌های

1. Monajemzadeh et al

2. Mahdi et al

دانشجویی، پرداختی والدین و نیز پرداخت‌های مازاد به دلیل دریافت خدمات ویژه همچون بین‌المللی بودن صورت می‌گیرد.

سازمان‌های نیکوکار، بنیادهای بین‌المللی، وقف و موسسان (بنیان‌گذاران) به عنوان چهار حالت زیر مجموعه منابع خیرین محسوب می‌گردد در حالی که در بخش سایر منابع، تامین اعتبارات از طریق پاسخ‌گویی به نیازهای تحقیقاتی شرکت‌ها (ارتباط با جامعه و صنعت)، کمک‌های بلا عوض مالی فارغ‌التحصیلان و در نهایت صندوق‌های مالی قابل بیان می‌باشند. مطابق با آنچه که در جدول ۲ ملاحظه گردید تامین مالی دانشگاه‌های کشورهای مختلف غالباً ترکیبی از روش‌های تامین منابع بوده و هیچ کدام از این روش‌ها به تنهایی کارساز نبوده است به بیان دیگر درصد وزنی میزان اثر بخشی هر یک از این چهار حالت و زیر مجموعه‌های آنها در کشورهای مختلف بسیار متفاوت بود به نحوی که مثلاً در دانشگاه‌های خصوصی ژاپن ۷۰ درصد منابع تامین مالی از طریق شهریه تامین می‌گردید در حالی که در کشور ازبکستان ۲۰ درصد تامین مالی از طریق اعطای بورس دولتی و یا در انگلیس ۹۶ درصد تامین منابع دانشگاهها از طریق وام‌های دانشجویی فراهم می‌گردید.

کریمی مهرآباد^۱ و حسینی (۲۰۱۹) با بررسی روش‌های تامین مالی دانشگاه‌های برتر در کشورهای توسعه یافته از قبیل آمریکا و انگلستان، مناسب‌ترین راهکارهای تامین مالی از طریق تاسیس شرکت‌های دانش بنیان از قبیل سرمایه گذار خطرپذیر، استراتژی خروج و اختیار خرید سهام جهت تاسیس این شرکت‌ها در دانشگاه‌ها را معرفی نمودند.

از سوی دیگر با توجه به وجود انواع دانشگاه‌های دولتی و خصوصی در کشورهای مختلف باز هم شاهد گسترده‌تری بیشتر این تنوع تامین منابع اعتبار بودیم. بررسی‌های حکایت از آن دارد که حمایت‌های دولتی در اکثر کشورها به عنوان رکن اصلی تامین منابع مالی وجود دارد اما نوع و میزان حمایت‌های دولتی در کشورهای مختلف متفاوت از یکدیگر می‌باشد مثلاً در کانادا و آمریکا این حمایت‌ها بیشتر خود را در قالب مالیات و تخصیص استانی نشان می‌دهد در حالی که در کشورهایی مانند هند به شکل‌های مختلف مالی یعنی بودجه عمومی، اعطای بورس، بودجه مبتنی بر عملکرد و تخصیص استانی در دانشگاه‌های دولتی و در دانشگاه‌های خصوصی به صورت معافیت‌های مالیاتی خود را نشان می‌دهد (جدول ۲).

بیشترین نوع حمایت‌های دولتی در کشورهای مختلف شکل معمول و مرسوم آن یعنی تخصیص از بودجه عمومی می‌باشد که به غیر از دانشگاه‌های خصوصی کشورها و سه کشور انگلیس، آمریکا و کانادا، تقریباً در باقی کشورها به عنوان یکی از پایه‌های اصلی تامین منابع مالی می‌باشد. نتایج تحقیقات مرادی^۲ و قربانیان (۲۰۲۰) نیز حاکی از آن بود که خانوارها بزرگترین سهم تامین منابع مالی بخش خصوصی آموزش عالی را تشکیل می‌دهند (۷۴ درصد در بین کشورهای عضو سازمان توسعه همکاری‌های اقتصادی)، و بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۶، سهم منابع حاصل از بخش خصوصی برای نهادهای آموزش عالی تا حدود ۳ درصد افزایش داشته است، در حالی که سهم منابع دولتی به طور متوسط در کلیه کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی کاهش یافته است (OECD/EU, 2019). دریافت هزینه نیز آن هم به صورت یکی از دو حالت وام دانشجویی و پرداختی والدین نیز به عنوان یکی از منابع اصلی تامین اعتبار مالی دانشگاه‌ها در بیشتر کشورها می‌-

¹. Karimi Mehrabad & Hosseini Heshmatian

². Moradi, & Ghorbanian

باشد به نحوی که مثلاً در انگلیس ۹۶ درصد شهریه از طریق وام‌های دانشجویی تامین می‌گردد. از سوی دیگر در کشورهای مانند ژاپن ۷۰ درصد تامین منابع مالی دانشگاه‌های خصوص از طریق شهریه پرداختی والدین صورت می‌گیرد و یا در کشور ازبکستان دولت با وجود دریافت هزینه از والدین به صورت شهریه، آنها را از پرداخت مالیات معاف می‌نماید که خود به نحوی به عنوان یک بسته تعاملی مناسب بین دولت و مردم در تامین منابع مالی دانشگاه‌ها می‌توان قلمداد نمود. تامین مالی از بخش خیرین نیز در بسیاری از کشورهای اسلامی همچون مالزی و کشورهای عربی به شکل وقف بوده در حالی که در کشورهایمانند کانادا، انگلیس و آمریکا به صورت ترکیبی از وقف، سازمان‌های نیکوکار و بنیان‌گذاران (موسسان اصلی) می‌باشد.

توجه به تامین منابع مالی موسسات از طریق عقد قرارداد با سازمان‌ها و شرکت‌های صنعتی در راستای پاسخگویی به نیازهای آنها در قالب ارتباط با جامعه و صنعت نیز از جمله روش‌هایی است که در چند سال اخیر به ویژه در کشورهای اروپایی و همچنین کره جنوبی، ژاپن و چین و حتی کانادا و برزیل مورد توجه ویژه قرار گرفته است در حالی که در کشورهایمانند ازبکستان، غنا و مالزی به صندوق‌ها توجه بیشتری شده است. نتایج بررسی‌های نظریه‌پرداز^۱ (۲۰۲۰) نشان داد که در میان راهکارهای اجرایی در حوزه اداری و مالی، استفاده حداکثری از ظرفیت‌های قانونی در تبصره‌های بودجه، گسترش و تنوع بخشی به فعالیت‌های خیران و توسعه بنیادهای نیکوکاری دانشگاهی از موثرترین راهکارهای تنوع بخشی منابع درآمدی در دانشگاه‌ها، موسسات پژوهشی و پارک‌های علم و فناوری است. ایشان همچنین تامین منابع مالی مبتنی بر انعقاد طرح‌های پژوهشی با صنایع و سایر دستگاه‌های اجرایی در خصوص تامین خدمات برتر و تقویت اقتصاد دانش بنیان و تحقق اهداف «جهش تولید» در کشور را نسبت به سایر راهبردها بیشتر می‌دانند. این در حالی است که در کشور هند به کمک‌های مالی صورت گرفته از طرف فارغ‌التحصیلان به عنوان یک منبع تامین اعتبار توجه ویژه شده است و تلاش در جهت فرهنگ‌سازی بیشتر در این حوزه، در دستور کار دانشگاه‌ها قرار گرفته است. نادری و

^۱. Nazarpour

همکاران (۲۰۱۴) نیز در تحقیقات خود بر نقش مشارکت دانش آموختگان در تامین مالی دانشگاه‌ها تاکید نمودند.

یافته‌های عباسپور^۱ و همکاران (۲۰۲۰) نشان داد که الگوی مطلوب تامین مالی، تنوع بخشی درون زای تامین مالی در دانشگاه‌ها است. به نظر ایشان وضعیت فعلی که نظامی دوقطبی مبتنی بر اخذ شهریه و کمک مستقیم دولتی است به نظامی متوازن و چندمنبعی که به صورت درون زا ایجاد شود، حرکت کند. از همین رو توجه به تخصیص استانی یا ایالتی و تفیض اختیار به آنها در خصوص نحوه هزینه کرد و تامین منابع مالی از منابع محلی یکی از نکات تامل برانگیز می‌باشد چرا که این رویه در کشورهایی مانند کانادا، آمریکا و حتی هند تجربه‌های موفق را به ثبت رسانده‌اند و اخیراً کشور چین نیز از این مدل الگو برداری نموده است در حالی که در کشور آلمان بر عکس به دولت فدرال توجه بیشتری داشته است.

دل ری^۲ و راسیونرو (۲۰۱۰) یک چارچوب یکپارچه برای تامین مالی آموزش عالی شامل طرح‌های: (۱) یارانه مالیاتی سنتی، (۲) وام‌های خالص، (۳) وام‌های مشروط درآمد با مشارکت ریسک، و (۴) وام‌های مشروط درآمد با ادغام ریسک ارائه دادند. آنها بر نقش بیمه طرح‌ها و تأثیر آنها بر مشارکت در آموزش عالی تمرکز کردند. در حالی که یافته‌های ارینس^۳ و ارینا (۲۰۱۵) نشان داد که به منظور بهبود مدل تامین مالی سیستم آموزش عالی لتونی، باید به سمت افزایش کارایی عملکرد و اثربخشی مؤسسات آموزش عالی سوق داده شود.

چاپمن^۴ و تولیپس (۲۰۱۰) تجربیات بین‌المللی با توجه به تامین مالی آموزش عالی (اندازه و اشکال پرداخت شهریه، و انواع و سطوح مختلف حمایت بخش دولتی که همان وام‌های بانکی تضمین شده و وام‌های احتمالی درآمد بود) را مقایسه کردند. گوکسو^۵ و گونگور

1. Abbaspour et al

2. Del Rey & Racionero

3. Erins & Erina

4. Chapman & Tulip

5. Goksu & Gungor Goksu

(۲۰۱۵) اربردهای مختلف سیستم های تامین مالی آموزش عالی را مورد بحث قرار دادند و سهم بازیگران مختلف شرکت کننده در تامین مالی آموزش عالی را تحلیل نمودند. اختصاص بخشی از درآمدهای حاصل از صنایع و معادن موجود در استان‌ها به موسسات آموزش عالی همان استان، به یکی از حالت‌های الف- عقد قرارداد پژوهشی با دانشگاه در جهت رفع نیازهای تحقیقاتی آنها ب- پرورش نیروی انسانی متخصص صنایع و همچنین ج- جذب کمک‌های خیرخواهانه و بلاعوض به دانشگاهها می‌تواند تا حدود زیادی از منابع مالی مورد نیاز دانشگاهها را فراهم سازد. همانگونه که سیو^۱ (۲۰۱۹)، از طرح های تولیدی و خدماتی مبتنی بر وب و هوشمندسازی به عنوان یک روش تامین مالی آموزش عالی بیان می‌کند. وان لانگ^۲ (۲۰۱۹) در تحقیقی استدلال کردند که طرح وام های مشروط درآمد توسط دولت برای آموزش عالی به نتایج بهتری دست خواهد یافت. چاپمن^۳ و دوریس (۲۰۱۹) سود حاصل از طرح های مختلف وام دانشجویی را به عنوان منبعی برای تامین مالی آموزش عالی مطرح کردند.

نکته مهم در خصوص تامین منابع مالی موسسات آموزش عالی در کشورهای مختلف نحوه نگاه آن کشورها به جایگاه دانشگاهها در تعیین سرنوشت آینده کشور خلاصه می‌گردد. به گونه‌ای که اگر کشور دانشگاه را به عنوان محلی برای کسب دانش و اخذ مدرک بدانند مطمئناً با کشوری که دانشگاه را به عنوان محل تربیت مدیران آینده کشور بدانند بسیار متفاوت خواهد بود. هزینه بر بودن موسسات آموزش عالی و تامین منابع لازم برای ادامه حیات دانشگاهها امری انکار ناپذیر است اما نکته مهم توجه به جایگاه دانشگاه در تشکیل آینده کشور می‌باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در مجموع منابع تامین مالی دانشگاهها را در ایران و سایر کشورهای جهان را می‌توان در چهار گروه حمایت‌های دولتی، شهریه، خیرین و سایر منابع بیان نمود. آنچه از بررسی سایر کشورها در مقایسه به ایران به دست می‌آید حاکی از متکی

1. Siu

2. Van Long

3. Chapman & Doris

بودن زیاد دانشگاه‌های ایران به منابع دولتی و توجه کمتر آنها به سه منبع دیگر تامین منابع می‌باشد. توجه به تامین منابع مالی موسسات بر اساس بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد در کنار درآمدهای حاصل از عقد قرارداد با سازمان‌ها و شرکت‌های صنعتی در راستای پاسخگویی به نیازهای آنها در قالب ارتباط با جامعه و صنعت، توجه به منابع وقف، خیرین و فارغ التحصیلان، تقویت صندوق‌های مالی در کنار قراردادان معافیت‌های ویژه برای دانشجویان شهریه پرداز می‌تواند موجب تقویت منابع مالی دانشگاه‌ها گردد در عین حال که ثبات تامین منابع مالی دانشگاه‌ها باعث خروج دانشگاه‌ها از سیاسی‌بازی آنها می‌گردد. با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهادهای زیر جهت بهبود فرآیند بودجه‌ریزی آموزش عالی ارائه می‌شود:

- تأمین بودجه‌های خاص برای ایجاد تغییر در پیکره آموزش عالی و بازنگری در نحوه تخصیص بودجه‌های پایه
- اختصاص بودجه برای اولویت‌ها و سیاست‌های خاص در آموزش عالی (شامل جهانی‌سازی، انتقال فناوری و نوآوری، کیفیت تدریس و یادگیری)
- اختصاص بودجه‌های انگیزشی برای دانشگاه‌ها در دستیابی به اهداف اسناد بالادستی حوزه علم و فناوری
- پیاده‌سازی بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد در واقع و پرهیز از استفاده نمایشی از اطلاعات عملکردی
- جذب کمک‌های خیرخواهانه از طریق اعطای مشوق‌های مالیاتی برای خیرین
- استفاده از اختصاص بودجه بیشتر برای تحقیقات با کیفیت و اهمیت بیشتر (نوعی بسته تشویقی برای رقابت بین دانشگاهها)
- قراردادهای اجتماعی بین دولت و مردم (معاف شدن بخشی از مالیات پرداختی والدینی که دانشجوی شهریه پرداز دارند)
- افزایش نقش و اجرای طرح‌های پژوهشی در کنار مشارکت شرکت‌های بیمه-گذار برای اجرایی نمودن بیمه طرح‌های پژوهشی
- برقراری تعادل بین بهبود کیفیت تامین مالی و میزان دسترسی به سطوح مختلف آموزش

حمایت و قدردانی

نویسندگان مقاله از مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور به دلیل تامین منابع مالی اجرای طرح کمال تقدیر و تشکر را دارند.

منابع فارسی

- انتظاری، یعقوب (۱۳۹۰). ارائه الگویی برای تامین مالی دانشگاه‌های دولتی. *فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی*، سال هفدهم شماره ۲، پیاپی ۶۰، ص ۱۷-۳۶.
- احمدی، مهدی؛ نوروزی، خلیل (۱۳۹۲). بررسی راهبردهای تامین مالی فعالیت‌های آموزشی دانشگاه‌های منتخب. *نشریه سیاست نامه علم و فناوری*، سال چهارم شماره ۴، پیاپی ۹، صص ۴۷-۶۴.
- عباس پور، عباس؛ کرامتی تولایی، محمدمهدی؛ رحیمیان، حمید؛ جهانگرد، اسفندیار (۱۳۹۹). تدوین الگوی تامین مالی نظام آموزش عالی ایران مبتنی بر نظریه داده بنیاد. *فصلنامه راهبرد فرهنگ*، پیاپی ۴۹، صص ۱۸۷-۲۱۸.
- کشاوریزاده، علی؛ قاسمی، مجید (۱۳۹۶). ارائه مدلی برای سرمایه گذاری در آموزش عالی کشور. *نشریه تحلیل مالی*، سال یکم شماره ۲، ص ۹۴.
- کریمی مهرآبادی، محمدصادق؛ حسینی حشمتیان، سیده سارا (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی شیوه‌های تامین مالی آموزش عالی در کشورهای توسعه یافته و ارائه راهکار تامین مالی از طریق شرکت‌های دانش بنیان. *نشریه تامین مالی آموزش عالی*، پیاپی ۲، ص ۸۳.
- مهدی، مهدی؛ حسینی دورانی، سیدمهدی؛ فیروزآبادی، مرتضی (۱۳۹۷). سازوکارهای تامین مالی دانشگاه‌ها، بررسی موردی دانشگاه‌های کشور آلمان. *نشریه تحلیل مالی*، سال دوم شماره ۱، صص ۲-۱۰.
- منجم زاده، سید سعید؛ نادری روشناوند، ابوالقاسم؛ گرایی نژاد، غلامرضا؛ پوررستمی، ناهید (۱۳۹۸). تحلیل و ارزیابی سیاست‌های توسعه مالی دانشگاه بر اساس اسناد فرادستی آموزش عالی. *فصلنامه مجلس و راهبرد*، پیاپی ۹۸، صص ۵-۳۹.
- مرادی، عزیزاله؛ قربانیان، محمد (۱۳۹۸). سیستم‌های تامین منابع مالی و تاثیر آنها بر عملکرد آموزش عالی. *نشریه تحلیل مالی*، سال سوم شماره ۱، صص ۷۱-۸۶.
- نادری، ابوالقاسم؛ خرازی، کمال؛ انتظاری، یعقوب؛ محبوب عشرت آبادی، حسن (۱۳۹۲). سازوکارهای تامین و تخصیص منابع در آموزش عالی. *فصلنامه مطالعات منابع انسانی*، پیاپی ۱۰، ص ۹۱.
- نظرپور، محمدتقی (۱۳۹۹). راهبردها و راهکارهای اجرایی برای تنوع بخشی منابع مالی موسسات آموزش عالی و پژوهشی با تاکید بر منابع غیردولتی. *فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی*، سال بیست و ششم شماره ۲، پیاپی ۹۶، صص ۱-۲۵.

یزدانی، شهرام؛ دشتی رحمت آبادی؛ مرضیه؛ درخشان، اکبر؛ غلامی، حسن (۱۳۹۶). بررسی نقادانه الگوهای تامین و تخصیص مالی در آموزش عالی. *دوفصلنامه افق توسعه آموزش پزشکی*، سال هشتم شماره ۲، صص ۳-۱۱.

References

- Amiri, M., Moghimi, S. M., & Ghorbani, F. (2010). Challenges, Problems, and Guidelines of Budgeting Systems in Higher Education, case study: "University of Tehran". *Accounting and Auditing Review*, 17(1), 1-14.
- Andrade C, Menon V, Ameen S, Kumar Praharaj S. (2020). Designing and Conducting Knowledge, Attitude, and Practice Surveys in Psychiatry: Practical Guidance. *Indian Journal of Psychological Medicine*. 42(5):478-481. doi:10.1177/0253717620946111.
- Ab Hamid, H. (2021). Financing higher education in Malaysia:PTPTN and Issues, <https://www.researchgate.net/publication/353569554>, DOI: 10.13140/RG.2.2.36547.32808.
- Abbaspour, A., Keramati Tavlayi, M. M., Rahimian, H., & Jahangard, E. (2020). Development of a Model for Financing Iran's Higher Education System Based on Grounded Theory, 13(49), 189-221. doi: 10.22034/jsfc.(2020).109878 (In Persian)
- Adam, E. (2020). Governments base performance-based funding on global rankings indicators: A global trend in higher education finance or a global rankings literature fiction? A comparative analysis of four performance-based funding programs. *International Journal of Educational Development*, 76. <https://doi.org/10.1016/j.ijedudev.2020.102197>.
- Acquah, A. (2021). Higher education finance between Ghana and the United States, *Current Issues in Comparative Education (CICE)*, 23(1):90-108.
- Ahmadi, M., & Norozi, K. (2015). Investigating Strategies of Financing Educational Activities for Selected Universities. *Science and Technology Policy Letters*, 04(3), 47-64. (In Persian)
- Alkubaisi, H., Rasool, N. (2020). Financing higher education in Arab countries: challenges, constraints and solutions, *Journal of Education and Training Studies*, 8(8): 38-54.
- Baba, M., Tanaka, T. (1997). Government funding versus private funding in Japanese universities. *Quality in Higher Education*, 3(3):263-276
- Belfield, Ch., Britton, J., Dearden, L., Erve, L. V. D., (2017). Higher education funding in England: past, present and options for the future. *The Institute for Fiscal Studies*. ISBN 978-1-911102-48-9. PP 42.
- Borah, B. (2020). Financing of higher education in India: issues and mitigation measures, *International Journal of Management (IJM)*, 11(4):687-694.

- Chapman, B., Tulip, P. (2010). Financing of Higher Education. *International Encyclopedia of Education (Third Edition)*, Elsevier: 499-506. <https://doi.org/10.1016/B978-0-08-044894-7.00857-5>.
- Chapman, B., Doris, A. (2019). Modelling higher education financing reform for Ireland. *Economics of Education Review*, 71: 109-119. <https://doi.org/10.1016/j.econedurev.2018.06.002>.
- Del Rey, E., Racionero, M. (2010). Financing schemes for higher education. *European Journal of Political Economy*, 26(1): 104-113. <https://doi.org/10.1016/j.ejpoleco.2009.09.002>.
- Erdem, A. R., (2010) The financial structure of Turkish higher education system. *E-international Journal of Educational Research*, 1(1):18-25.
- El Gibari, S., Cabello, J. M., Gómez, T., & Ruiz, F. (2021). Composite indicators as decision making tools: The joint use of compensatory and non-compensatory schemes. *International Journal of Information Technology and Decision Making*, 20(3), 847-879.
- Entezari, Y. (2011). Presenting a Model for Public Universities Funding in Iran. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 17(2), 17-36. (In Persian)
- Erins, I., Erina, J. (2015). The Higher Education Financing System: The Case of Latvia. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 177: 183-185. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2015.02.377>.
- Fengliang, L., (2012) Financing higher education: Lessons from China, *Irish Educational Studies*, 31(2)1-16. DOI: 10.1080/03323315.2011.634094.
- Goksu, A., Gungor Goksu, G. (2015). A Comparative Analysis of Higher Education Financing in Different Countries. *Procedia Economics and Finance*, 26; 1152-1158. [https://doi.org/10.1016/S2212-5671\(15\)00945-4](https://doi.org/10.1016/S2212-5671(15)00945-4).
- Huang, F. (2018). Higher education financing in Japan: Trends and challenges. *International Journal of Educational Development*, 58: 106-115. <https://doi.org/10.1016/j.ijedudev.2016.12.010>.
- Johnstone, B. (2015). Frequent misunderstandings about the financing of higher education worldwide. *Calidad en la Educación*, 43(43): 261-231.
- Keshavarzade, A., & Ghasemi, M., (2017). A model of investing in higher education in Iran, *Journal of financial analysis*, 1(2):94-126. (In Persian)
- Karimi Mehrabad, .M. S., & Hosseini Heshmatian, S. (2019) Comparative study of higher education financing practices in developed countries and providing financing strategies through knowledge-based companies. *Financing of higher education*. 1(2): 83. (In Persian)
- Kim, B. & Park, N., (2018). Lessons learned from financing universal higher education in Korea, *International Journal of Educational Development*, 58:116-127. <https://doi.org/10.1016/j.ijedudev.2017.09.010>

- Lang, D. (2020). Financing higher education in Canada: a study in fiscal federalism system, <https://www.researchgate.net/publication/343948889>, DOI: 10.13140/RG.2.2.19684.19846
- Mahdi, M., Hosseini Davarani, S. M., & Firuzabadi, M. (2018) Financing mechanisms of higher education, Case study universities in Germany, *Journal of financial analysis*, 2(1):2-10. (In Persian)
- Monajemzadeh, S. S., Nadery, A., Graei nejad, G., & Poor rostami, N. (2019). Analysis and Evaluation of Financial Development Policies of the university based on national higher education documents. *Majlis and Rahbord*, 26(98), 5-39. (In Persian)
- Moradi, A., & Ghorbanian, M. (2020) Financial Resources systems and Their impact on The Performance of Higher Education, *Journal of financial analysis*, 3(2):71-86. (In Persian)
- Naderi, A., Kharazi, K., Entezari, Y., & Mahjobeshratabadi, H. (2014). Mechanisms of Resource Allocation and Provision in Higher Education. *Journal of Human Resource Management*, 3(4), 91-120. (In Persian)
- Nazarpour, M. (2020). The administrative strategies and tactics for diversification of funding sources in research and higher education institutes with emphasis on non-public sources. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 26(2), 1-25. (In Persian)
- OECD (2007). Financing higher education in the United States. Economics Department Working Paper. No. 584.
- OECD/EU(2019). Supporting entrepreneurship and innovation in higher education in Italy, OECD Skills Studies, OECD Publishing, Paris, <https://doi.org/10.1787/43e88f48-en>.
- Peters, M. A., (2017). Education in post-truth world. *Educational Philosophy and theory*. 49(6):1-4. DOI: 10.1080/00131857.2016.1264114.
- Platonova, E., Bogomolova, J., Musarskiy, M., Igumnov, O. (2015). Various Approaches to Financing Russian Higher Education Institutions Integrating into the Global Educational Environment. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 214: 393-398. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2015.11.682>.
- Rakhmonov, D. (2016). Trends of financing higher education in Uzbekistan. *Global Journal of Management and Business Research: C Finance*, 16(4): 1-9.
- Siu, B. (2019). Modernizing I.T. Applications for Self-Financing Higher Education Institutes: a Make-To-Order Methodology with Broad Relevance. *Procedia Computer Science*, 154: 721-725. <https://doi.org/10.1016/j.procs.2019.06.112>.

- Teichler, U. (2018). Recent changes of financing higher education in Germany and their intended and unintended consequences. *International Journal of Educational Development*, 58: 37-46.
<https://doi.org/10.1016/j.ijedudev.2016.10.008>.
- Van Long, N. (2019). Financing higher education in an imperfect world. *Economics of Education Review*, 71: 23-31.
<https://doi.org/10.1016/j.econedurev.2018.06.004>.
- Watenberg, F. (2019). Higher education funding in Brazil and the income contingent loans alternative, Bruna Costa Cataldo De Andrade. PP 109.
- Yang, P. (2017). Higher education financing in China. PP 11.
- Yazdany, S., Dashti, M., Derakhshan, A., & Gholami, H. (2018). Critical Review of Resource Allocation Models in Higher Education. *Horizons of Medical Education Development*, 8(2), 3-11.
doi: 10.22038/hmed.2018.13589 (In Persian)